



## سیستم همه جانبه عدالت برای افغانستان

جدی ۱۳۸۸

دیراج، اسمیت و جی لیمی

### ۱. ارتباط و روابط میان دولت و روند های سیستم حل منازعات محلی

#### یافته های مهم

- سیستم حل منازعات محلی جدا از نهاد های دولتی فعالیت نمی نماید. فعالین دولت و اجتماع به سطح ولسوالی و قریه جات اغلب یکجا با هم برای حل منازعات و فراهم نمودن عدالت به طرفین درگیر (آزرده) کار می کنند.
- روابط قوی میان فعالین حل منازعات و ولسوال موجود است، ولسوال اغلب نقش دربان را بازی می کند زمانیکه منازعه کنندگان می خواهند قضیه را به نظام عدلی ببرند، ممکن خودش در روند های سیستم حل منازعات محلی اشتراک کند، قضایای را که به وی آورده می شوند ممکن به بزرگان اجتماع رجوع کنند و بعضی اوقات اسناد تصمیم گیری را از سیستم حل منازعات محلی بدست آورند.
- باشنده گان قریه بر اساس تجربه و دانش تصمیم می گیرند تا در زمان جستجوی حل منازعه از کدام رویکرد کار گیرند. زیرا که افراد با محدودیت های مختلف عملی و اجتماعی مواجه می شوند که انتخاب (جندر، مالی، جغرافیایی وغیره) آنها را محدود می سازد ازینرو آنها در رابطه با اینکه کدام رویکرد برایشان بهترین خواهد بود به نتیجه های متفاوت می رسند.

پالیسی نامه هذا مطالعات موضوعی سیستم حل منازعات محلی (community-based dispute resolution) واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را همراهی می کند، مطالعات موضوعی در این رابطه معلومات و تحلیل های مفصل را از تحقیق مذکور ارائه می کند. این مطالعات به کسانیکه با سکتور عدالت غیر رسمی کار می کنند و با دولت ارتباط دارند مشوره می دهد و ممکن به آنده افرادیکه در راستای انکشاف و مسایل ثبات در افغانستان کار می کنند مفید ثابت گردد. پالیسی ای جهت بهبودی و تنظیم سیستم عدلی دولت با همکاری وزارت عدلیه در حال آماده شدن است و عناصر پیشنویس فعلی پالیسی مذکور به آن راجع شده است.

مشورت های متذکره روی چهار موضوع عمده تحقیق سیستم حل منازعات محلی ساخته شده اند:

- ارتباط و روابط میان دولت و روند های سیستم حل منازعات محلی
- روند های که جهت وضع سیستم حل منازعات محلی استفاده می شوند
- اصول که تحت روند های سیستم حل منازعات محلی قرار دارند
- روابط جندر در روند های سیستم حل منازعات محلی

### مطالعات موردی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان روی سیستم حل منازعات محلی

اداره مذکور تحقیق عمیقی را روی سیستم حل منازعات محلی در ولایات ننگرهار، بامیان، کابل و بلخ اجرا نمود. نشریات موردی ننگرهار و بامیان در وبسایت این اداره قابل دسترس اند ([www.areu.org.af](http://www.areu.org.af)) و مطالعات بلخ و کابل نیز به تعقیب آن است. این مطالعات موردی شامل توضیحات مطالعه در قریه ها می باشد و موضوعات ذیل را بررسی می کند: کی در سیستم حل منازعات محلی صاحب اقتدار است و چگونه آنرا اجرا می کند؛ روند ها و روابط که سیستم مذکور را با عدالت دولت ارتباط می دهد؛ عملکرد ها، اصول و پیامد های سیستم مذکور و چگونه اینها با بستگی به شرایط سیاسی، اجتماعی، و امنیتی تغییر می کنند؛ و مسایل جندر در رابطه با سیستم مذکور. همچنان هر مطالعه موردی شامل ضمیمه قضایای انفرادی منازعات می شود که جنبه های متعدد سیستم حل منازعات محلی را در افغانستان نشان می دهد. این قضایا عبارت از خشونت بشمول قضایای چندگانه قتل انتقام جو و قتل داخل خانواده میشود؛ قضایای منازعات روی نامزدی و ازدواج؛ منازعات بزرگتر ارضی در یک قبیله؛ منازعات دارایی و منازعات که تحت نفوذ قوماندانان اسبق مجاهدین نیز مشمول آن می باشد.

- فعالین سیستم حل منازعات محلی دانش محلی را ارائه می کنند، که خیلی مهم اند بخصوص زمانیکه اسناد حقوقی مانند قباله های زمین وجود نداشته یا در تنازع قرار داشته باشند که منازعه کنندگان به این کار خیلی ارزش قایل اند.
- تصمیم گیرندگان سیستم حل منازعات محلی می خواهند که سیستم کارا عدلی موجود باشد تا بتوانند قضایای جدی جنایی و حقوقی (مانند قتل و دیگر منازعات بزرگتر ارضی) را بدان راجع سازند. حل و اجرای چنین قضایا اغلب برایشان دشوار می باشد، و سپس این کار سبب تضعیف صلاحیت آنها گردیده و نیز منازعه را طولانی می سازد. همین طور زمانیکه منازعه کنندگان فکر می کنند که سیستم به آنها کمک کرده نمی تواند، آنها می خواهند تا از طریق دولت عدالت یابند.

- عملکرد های متقلب فعالین دولت سبب فساد در سیستم حل منازعات محلی گردید، برنامه های که در راستای کاهش فساد دولتی کار می کنند از فساد در سیستم حل منازعات محلی جلوگیری می توانند.
- منازعات جنایی و حقوقی توسط سیستم حل منازعات محلی حل می گردند. در واقع، ریشه واقعات جنایی اغلب به منازعات حقوقی بر می گردد و اغلب مشخص نمودن تفاوت میان منازعه حقوقی و جنایی ممکن نمی باشد.

### پیشنهادات پالیسی و برنامه

- تصور عدالت و سیستم حل منازعات محلی به گونه سکتور های "رسمی" و "غیر رسمی" مشکل می باشد که برنامه ها را از میان آنها جدا می سازد و از رویکرد همه جانبه در تلاش های سکتور عدلی جلوگیری می کند. باید هدف طرح برنامه ها و پالیسی های باشد که مجتمع های مختلف عدلی و حل منازعات باشد که افغان ها بدان دسترسی داشته باشند. هدف سیستم عدلی کارا، عادلانه و قابل دسترس برای افغان ها توسط کار منسجم با قوت ها و ضعف هریک مجتمع های متذکره و افزایش ارتباطات میان آنها برآورده شده می تواند.
- مکانیزم رسمی برای تایید پیامد های سیستم حل منازعات محلی از جانب دولت به این منازعات سنگینی بیشتر می بخشد که برای منازعات مغلق و یا منازعات که شامل فعالین پر قدرت اند خیلی مهم می باشد.
- در حالیکه ولسوال رسماً جز سیستم عدلی دولت نیست و تحت پالیسی ملی نقشی ندارد، اساساً کارمند دولت بوده که با سیستم حل منازعات محلی ارتباط دارد و باید در طرح برنامه و تطبیق آن شناخته شود.
- در کنار سکتور عدلی، سیستم حل منازعات محلی در بهترین جا

قرار گرفته اند تا به علت منازعه رسیده گی کرده و صلح پایدار را بمیان آورد. پالیسی ملی ممکن ازین قرار باشد که قضایای جدی جنایی باید همیشه توسط سکتور عدلی دولت رسیده گی شوند. در حالیکه سکتور عدلی دولت باید قابلیت و منابع داشته باشد تا به قربانی یک جرم عدالت داده و مجرم را مجازات نماید، ریشه بسیاری از قضایای جدی جنایی به منازعات حقوقی برمی خورد، و روند های سیستم حل منازعات محلی بهترین جا برای رسیده گی به علت اساسی و خاتمه منازعه میان طرفین متعدد همان منازعه می باشد. تا زمانیکه روند مورد توافق عفو و یا جبران به سطح اجتماع وضع نگردد، منازعه دوام می یابد، طور مثال در قضایای انتقام قتل با قتل دوام خواهد یافت.

## ۲. روند های که جهت وضع سیستم حل منازعات محلی استفاده می شوند

### یافته های مهم

- تصامیم سیستم حل منازعات محلی توسط جرگه، شورا و یا جلسه های گرفته می شوند که معمولاً متشکل از بزرگان محل می باشند. این تصامیم از لحاظ قانونی اجباری نبوده و بر همکاری منازعه کنندگان بستگی دارد.
- روند سیستم حل منازعات محلی ثابت نبوده و به عرف و عنعنات تغییر ناپذیر و فرض شده متکی نمی باشد. آنها با روابط متغیر اجتماعی، ساختار های سیاسی و مشکلات پدیدار شده سازگار می باشند و در جا های مختلف به انواع متفاوت اجرا میشوند که در ولایات، ولسوالی، قریه، نژاد و قوم تفاوت دارد.
- سیستم حل منازعات محلی همیشه یا بطور عاجل یک منازعه را حل نکند، اما ممکن آنرا تنظیم کند و از رسیدن آن به خشونت خودداری کند.
- روند و پیامد های سیستم حل منازعات محلی اکثر ثبت می شوند و توسط تصمیم گیرندگان، منازعه کنندگان و بعضی اوقات ولسوال (که اکثراً نامه ای ابتدایی اتخاذ راه حل را به فعالین سیستم حل منازعات محلی ارائه مینمایند) نگهداری می شود.
- تصمیم گیرندگان سیستم حل منازعات محلی مایل آموختن قانون اساسی افغانستان می باشند.

### پیشنهادات پالیسی و برنامه ای

- برنامه ها باید به اندازه شیوه های که حل منازعات، عدالت و حاکمیت قانون در افغانستان اجرا می شوند متغیر و انعطاف پذیر باشند. یک نمونه در هر ساحه مناسب نخواهد بود و برنامه ها باید سازگار باشند.
- فرضیه ها، رفتار کلیشه ای و معلومات که بدرستی جمع آوری نشده اند تاثیر برنامه را کاهش می دهد، و در بعضی موارد نقص

صورت گیرد. روند سیستم حل منازعات محلی در اصل در شرایط اجتماعی انعطاف پذیر و عملی بوده، برنامه ریزی باید به این موضوع پاسخگو باشد.

### ۳. اصول که تحت روند های سیستم حل منازعات محلی قرار دارند

#### یافته های مهم

- اصول اساسی که جهت توجیه سیستم حل منازعات محلی استفاده میشوند مغلق بوده و باعث خواسته های عرفی، بحث، و عمل گرایی می گردد.
- سیستم حل منازعات محلی شیوه ای عمده حفظ صلح و همبستگی اجتماعی میان یک اجتماع می باشد، "حفظ صلح" معمولاً هدف اساسی شورا، جرگه و جلسه سیستم حل منازعات محلی می باشد.
- طبق عرف قدرت تصمیم گیری سیستم حل منازعات محلی بر اساس صلاحیت (ارائه شده از جانب اجتماع) می باشد نه قدرت اجباری.
- سیستم حل منازعات محلی دارای عناصر عدالت توزیعی (که در تلاش رسیده گی به عوامل اساسی منازعه می باشد) و عدالت اعاده کننده (که بر اعاده وقار، صلح و تحکیم روابط میان قربانیان و متجاوزین بیشتر تاکید می کند) می باشد، این نوع عدالت بطور عموم در عدالت دولتی موجود نمی باشد. تصمیم گیرندگان سیستم حل منازعات محلی معمولاً می توانند ازین انواع عدالت استفاده کنند، زیرا که آنها در موقف صلاحیت اجتماعی قرار دارند- از ایشان توقع می رود که با درک بوده و منصفانه عمل نمایند و برای رفاه تمام اجتماع نگران باشند، (هرچند گزارشات فساد و تبعیض در بعضی واقعات دریافت گردیدند)
- تصمیم گیرندگان این سیستم معمولاً داوطلبانه اشتراک می ورزند بخاطریکه این کار بخشی از نقش قبول شده و متوقعه آنها منحیث بزرگان می باشد.

آن بیشتر از فایده می باشد. لازم است تا قبل از تطبیق هر نوع برنامه، تحقیق زمینه ای باید اجرا شود، به یاد سپرده شود که تحقیق کمی و سروی ها با استفاده از پرسشنامه های ساختاری بعید است تا نکات دقیق سیستم حل منازعات محلی را به سطح محلی واضح سازد. تحقیق کیفی وقت زیادی را دربر می گیرد، اما کار ایجاد اعتبار را قبل از تطبیق برنامه انجام می دهد. اگر قرار بر این است که سیستم حل منازعات محلی در یک اجتماع درک شود پس لازم است تا با زنان منعیث بخشی از روند گرد آوری دانش صحبت شود. در بسیاری از نقاط افغانستان صحبت با بزرگان مرد یا اعضای مرد اجتماع نیازمندی و خواست عدلی زنان را و اینکه در روند سیستم حل منازعات محلی از قبل چه نقش یا نفوذ داشته اند را واضح نخواهد نمود.

- برنامه ها باید درک کنند که فعالین سیستم حل منازعات محلی از پیامد های ناگوار عملکرد های معین، طور مثال در یک قضیه بد دهی (بدل زن جهت جبران قتل)، و نیز از غیر اسلامی بودن آنها آگاهی دارند. برنامه ها باید فراتر از تشریح اینکه یک عمل غیر قانونی یا غیر اسلامی است در جستجوی جایگزین ها باشد.
- تصمیم گیرندگان سیستم حل منازعات محلی باید با همتایان خود از دیگر نقاط کشور و از قبایل و اقوام مختلف دیدار نمایند تا از همدیگر بیاموزند و مسایل این سیستم را مورد بحث قرار دهند که این کار توسعه عملکرد های بدیل را افزایش می دهد.
- احتمال دارد که پالیسی ملی پیشنهاد کند که همه تصمیم سیستم حل منازعات محلی ثبت گردند. شناخت اینکه کار مذکور تا چه اندازه از قبل صورت گرفته و کار با سیستم موجوده مهم است. ولسوال بنابر نقش اش منعیث دربان ممکن بهترین نگهبان این ثبت های حل منازعات محلی در سیستم دولت باشند.
- در مجموع، از واژگون ساختن سیستمی که نسبتاً کار خوبی انجام می دهد جلوگیری شود، و با فعالین دولتی و سیستم حل منازعات کار شود تا پیشرفت های امکان پذیر در شرایط همان ساحه

### طالبان و سیستم حل منازعات محلی

طالبان سیستم عدلی جداگانه ای را در بعضی نقاط افغانستان اداره می نمایند. مبهم است که چگونه روند های آنها همراه با سیستم حل منازعات محلی فعالیت می کند، اما باید یاد آور شد که عدالت به شیوه طالبان لزوماً از روند های سنتی سیستم حل منازعات محلی استفاده نمی نماید. سیستم حل منازعات محلی بیشتر بر مفکوره اسلامی اصلاح (صلح و همبستگی اجتماعی از طریق بحث و آشتی) تمرکز دارد در قسمت اینکه چگونه این پیامد کسب می شود واقع بین است. زمانیکه طالبان حکومت را بدست داشتند تعبیر شان از شریعت خیلی بارز بود، مجازاتی سخت را برای جرایم وضع نموده بودند. تحقیق این اداره دریافت که رژیم طالبان سیستم حل منازعات محلی را تضعیف نمود، چون آنها با صلاحیت شان ناسازگار می نگرستند. جهت دریافت نظریات مردم در مورد سیستم عدلی طالبان در دهه ۱۳۶۹ به مطالعات موردی ولایت ننگرهار مراجعه شود.

## پیشنهادات پالیسی و برنامه ای

- توجه به انگیزه های جندر در سیستم حل منازعات و بخصوص نیازمندی های عدلی زنان و اشتراک نامساوی آنها در چنین روند ها بخصوص منحيث تصميم گیرنده باید در هر جنبه طرح برنامه ها شامل باشد. نباید فرض شود که زنان نقشی ندارند یا نمی توانند داشته باشند.

- نباید زنان را به گونه گروه مشابه نگرست، احتمال دارد که زنان جوان در سیستم حل منازعات محلی اشتراک نوزند، اما زنان بزرگسال یا بخصوص زنان بزرگسال بیوه اشتراک می کنند.

- بالای مسایل جندر در یک محل مشخص باید سرمایه گذاری صورت گیرد، و خواست برگزاری شورای زنان پابرجاست تا اینکه واضح نگردد که این کار به آنها منفعت میرساند.

- میان برخی از فعالین در افغانستان فرضیه ای وجود دارد که روند سیستم حل منازعات محلی همیشه برخلاف منافع زنان عمل می نمایند. بعضی اوقات روند مذکور این کار را انجام میدهد اما دریافت قضایای سو استفاده نهایی در این روند ها بطور لازم این موضوع را تثبیت نمی نماید. مهم است تا موسسات محلات را دریابند که در آن زنان از قبل در سیستم حل منازعات محلی نفوذ دارند.

- چگونه این زنان نفوذ بدست آوردند و آیا برای تشویق اشتراک بیشتر زنان منحيث یک الگو بوده می توانند.

- باید عملاً به زنان از قریه ها و حتی ولایات و ولسوالی های مختلف که در سیستم حل منازعات محلی اشتراک نموده اند شبکه ها ایجاد گردد، و به آنها موقع مساعد شود تا تجارب شانرا مشترک گذارند و از همدیگر بیاموزند. تحقیق این اداره ظرفیت سفر و تبادل را جهت تسریع تغییرات اجتماعی نشان داده است.

- قسمیکه میان سیستم عدلی و سیستم حل منازعات محلی تبعیض جنسیتی وجود دارد، دسترسی بیشتر به زنان در عدالت دولتی لزوماً به معنی پیامد های بهتر برایشان نیست. واکنش های برنامه ای به تبعیض جنسیتی باید در سیستم حل منازعات محلی و عدالت دولتی فراهم شوند.

منفعت های پایدار سیستم در مقایسه با عدالت دولتی در بعضی شرایط درک شود، و آنرا نباید یک جایگزین موقتی پنداشت.

از اختصاص پول با زیر بنا جهت ایجاد خود کار پیامد های مثبت توقع نشود چون سیستم های متذکره اجتماعی می باشند. بعلاوه اشکال پرداخت پول مانند دستمزد به تصمیم گیرندگان، استدلال موجوده برای سیستم حل منازعات محلی را به خطر می اندازد.

کسانیکه می خواهند به عملکرد های سیستم حل منازعات محلی اصلاحات وضع کنند، لازم است تا این کار را مطابق به آیین اسلام انجام دهند. اسلام راهنما در اجتماعات افغانی می باشد، در حالیکه اصول حقوق بشر جهانی را غربی و تحمیلی می پندارند.

## ۴. روابط جندر در روند سیستم حل منازعات محلی

### یافته های مهم

- در حالیکه دسترسی و اشتراک زنان در سیستم حل منازعات محلی محدود می باشد، نقاطی وجود دارند که در آن دسترسی و نفوذ داشته و در این روند اشتراک می ورزند. معمولاً در مقایسه با عدالت دولتی برای زنان سهلتر است تا به روند حل منازعات محلی دسترسی داشته باشند، بنابر دلایل تحرک محدود و یا ارتباط با تصمیم گیرندگان روند مذکور می باشد.

- هرچند نقش تصمیم گیری زنان در روند حل منازعات محلی خیلی محدود است، اجتماع زنان را منحيث تصمیم گیرندگان مهم در منازعات خانوادگی و در بعضی واقعات نادر در قریه های معین در منازعات عمومی می پذیرند.

- بعضی مردم در اجتماعات که مورد مطالعه قرار گرفته اند در مورد زنانی صحبت می نمودند که در گذشته ها نقش عمده ای را منحيث تصمیم گیرنده در حل منازعات محلی ایفا می نمودند، و بسیاری از مردم مخالف این نقش زنان در چنین روند ها نبودند.

- سیستم حل منازعات محلی می تواند چاره ای را به زنان فراهم نمایند تا آنها حقوق شانرا تصریح سازند.

- عدم دسترسی زنان در حل منازعات محلی و تصامیم که از حقوق آنها حمایت نمی نماید، از پیامد سیستم حل منازعات محلی یا قوانین عرفی نمی باشد بلکه در عوض عواقب نقش و روابط حاکم جندر در افغانستان می باشد.

- قسمیکه قبلاً بحث گردید، آگاهی در مورد غیر اسلامی بودن و نواقص رسم بد دهی وجود داشت و گزارشات نشان دادند که این رسم در معرض کاهش قرار دارد.